

سر کلاس با کیارستمی

پال کرونین

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: سز کلاس با کیارستمی / [ویراستار] پال کرونین؛ ترجمه سهراب مهدوی؛ مقابله آلمان بهمن‌پور. مشخصات نشر: تهران: چاپ و نشر نظر، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص: مصور. شابک: ۲-۲۱۹-۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: عنوان اصلی: Lessons with Kiarostami, 2015. موضوع: کیارستمی، عباس، ۱۳۱۹-۱۳۹۵ موضوع: سینما - ایران - تهیه‌کنندگان و کارگردانان. شناسه افزوده: کرونین، پال، ویراستار. شناسه افزوده: Cronin, Paul شناسه افزوده: مهدوی، سهراب، ۱۳۴۲-، مترجم. شناسه افزوده: بهمن‌پور، آلمان، ۱۳۶۵-، رده‌بندی کنگره: PN1۹۹۸/۱۳۹۲۳/۴ س ۹۶/ رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲. شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۶۴۱۰۵

www.ketab.ir



© موسسه فرهنگی و نشری افکار خیا بان ایران شهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲ تلفن: ۸۸۸۲۸۹۰۲ - ۸۸۸۴۳۲۹۴ - ۸۸۸۴۴۱۷۸
www.nazarpub.com info@nazarpub.com

سرکلاس با کیارستمی • پال کرونین • ترجمه سهراب مهدوی

مقابله متن انگلیسی به فارسی: آلمان بهمن پور • ویراستاران: توفان گرکانی - غزاله یعقوبی
طرح روس جلد: روشنک مافی • صفحه‌آرا: محبوبه مهربانی • طراح کتاب اصلی: رایان بوژانویچ
آماده‌سازی و چاپ: چاپ و نشر نظر • پیش‌از چاپ: سعید کاوندی • مدیر تولید: مهدی ابراهیم
تیراژ ۲۰۰۰ جلد • چاپ نخست: تهران ۱۳۹۵ • شابک: ۲ - ۲۱۹ - ۱۵۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

تمامی حقوق انتشار این کتاب در ایران توسط مؤلف به نشر نظر واگذار شده است و هرگونه استفاده از متن و
تصاویر کتاب با اجازه ناشر امکان میسر می‌باشد.
© هر نوع تکثیر انتشار و استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در
سیستم‌های بازیابی و پخش، ممنوع و ایل پیگرد قانونی است.

www.ketap.ir

در واپسین روزهای حیات عباس کیارستمی، کارهای کتاب سر کلاس با کیارستمی زیر نظر خود او به انجام رسید و طرح جلد با نظر خود ایشان شکل نهایی گرفت. تغییرات اندکی در متن کتاب اعمال شد. و چند روایت از زندگی او به نحو کامل در کتاب آورده شد. برای انتشار و مراسم معرفی کتاب تصمیم‌هایی گرفتیم. او که در خانه‌اش در کنار پنجره‌ای رو به باغچه‌ای سرسبز با درختانی بلند بر روی تخت بستری بود پذیرفت که وقتی کتاب منتشر شد در مراسم آن با همان تخت حضور پیدا کند اما گفت انتظار حرف زدن از او نداشته باشیم. در تمام روزهای بستری بودن عباس کیارستمی بسیار آرام و آهسته سخن می‌گفت و توان زیاد سخن گفتن نیز نداشت.

منتظر و شاد مشتاق انتشار کتاب بود. نه به دلیل انتشار کتابی درباره خودش. بیشتر برای لذتی که از انجام کار در پیرامون او صورت می‌گرفت. علیرغم ناتوانی جسمی در این روزها، هنوز سال‌ها مدام پیگر به ثمر رساندن کارهای نیمه تمام گذشته و آغاز کارهای جدید برد.

سر کلاس با کیارستمی برای ویدئو، کار نیمه تمام بود که از به نتیجه رسیدن آن خوشنود می‌شد تا پرونده‌ای از یکی از کارهای نیمه تمام او بسته شود. غافل از آنکه پرونده مردی بزرگ و بی‌همتا پیش از آن بسته شد.

ناشر

امروز

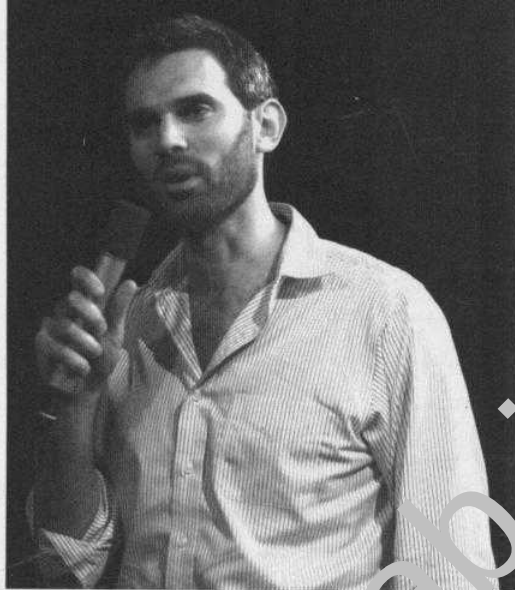
حاصل دیروز

و فردا

نتیجه امروز

حاصل زندگی

مرگ است و مرگ حاصلخیز



از فیلم‌های پل کرونین می‌توان به حواست باشه هسکل، این واقعیه!، تولید فیلم رسانه‌ها احساس ندارند (۲۰۰۱)، هنر ویوانگر: آموس ووگل رسیده (۲۰۰۳)، و در ابتدا تصویر بود: گفتگوهای باستر بیلد (۲۰۰۴) اشاره کرد. برخی از کتاب‌های کرونین عبارتند از مجموعه‌های نوشته‌های الکساندر مکندریک به نام درباره فیلم‌سازی پیش درآمدی بر مهارت‌های کارگردانی (۲۰۰۲)، مصاحبه با ورنر هرتنگ: دستورالعملی برای گم‌گشتگان (۲۰۱۴)، سر کلاس با کلاس (۲۰۱۵) و کتابی به همراه فیلم او زمان آشوب (۲۰۱۷) در مورد اعتراضات دانشجویی ۱۹۶۸ در دانشگاه کلمبیا. کرونین گروه تریخ هنر در دانشگاه هنرهای تجسمی نیویورک تدریس می‌کند.

یادداشت نویسنده بر نسخه فارسی

عباس کیارستمی برای اولین بار در سال ۱۳۸۴، در شهر لندن دیدم، جایی که او یکی از کارته‌های خود را برگزار می‌کرد. در اصل من «دانش‌آموز»ی بودم که با آثار «استاد» آشنایی لازم را نداشت اما چیزی به او گفته بود که باید به حرف‌های این استاد به دقت گوش کرد. این خصوصیات مرا از دیگر شرکت‌کنندگان مشتاق این کارگاه چندان متمایز نمی‌کرد. همگی به نیفه داشتیم تعدادی فیلم کوتاه دیریتال تا پایان آن هفته بگیریم و تدوین کنیم. ما به محض این که کیارستمی لب به سخن باز کرد، بی‌سروصدا خودم را از راسه فیلم‌بازان - اغلب - جوان کنار کشیدم و بر این شدم که وقت خود را صرف یادداشت‌گشتن کلمات کیارستمی، تعاملش با شرکت‌کنندگان در کارگاه، و ثبت ایده‌هایش کنم. در طول چند سال بعد، این کار توسعه پیدا کرد و پیچیده‌تر شد. با کیارستمی در کارگاه‌های نورم، ایتالیا، مراکش و نیویورک همراه شدم. از مکتب‌خانه تا مکتب‌خانه، میرزابنویسی به من ناخوانده و غیررسمی!

پس از مدتی، برایم روشن شد که مطالب مناسب برای عرضه در کتاب دارم. قریب به یک دهه پس از ورود به اولین کارگاه، دیگر می‌دانستم که شرکت در کارگاه ده‌روزه او در شهر سیراکیوز ایالت نیویورک حسن ختامی خواهد بود برای پایان میرزابنویسی و شروع جمع کردن کتاب. پیش از این کارگاه تمام هم و غم خود را

به پژوهش دادم، بخصوص در مورد تاریخ معاصر ایران. کیارستمی تمامی عمر خود را در کشورش سپری کرده، برای همین به نظرم رسید کتابی که به جهان بینی او می پردازد نیازمند درک عمیق از محیط و شرایطی است که آثار او از آن برخاسته است. انگیزه من برای سفر دو هفته ای به ایران در سال ۱۳۹۲ و سپری کردن زمانی با کیارستمی نیز همین بود.

اولش کتاب های زیادی را در مورد تاریخ قرن بیستم ایران ردیف کردم، اما این رویه زرد به گل نشست. با محتویات این کتاب ها ارتباط برقرار نمی کردم و نمی توانستم از چند صفحه رسان فراتر روم. به سیراکیوز که رسیدم پریشان بودم. فکر می کردم اگر نتوانم، طه نظای جاندار و حیاتی را (حتی اگر ندانم چیستند) در آن بگنجانم متن کتاب صدمه خواهد داد...

از بخت بلند، در اولین روز که راه سیراکیوز با ایمان توسلی آشنا شدم، که پزشک و پژوهشگری است ساکن نیورسا. او به من نشان داد که ورود به فیلم های کیارستمی حتی کارهای عکاسی، پیدمار، و نگارش او به جهان نه از راه سیاست و تاریخ معاصر که از راه شعر دست یافتنی است. سر نهار در این ده روز کارگاه، ایمان از حافظ و سعدی و مولانا و دیگران گفت. چارچوب گسترده تر و زنده تری در ذهنم شکل گرفت. کارهای کیارستمی را در قالب دئری دیدم، از زاویه دیگری، با نگاهی تازه. دیری نگذشت که من و ایمان دست به همکاری بلندپروازانه ای زدیم: ترجمه کتاب های شعری که از زیر دست کیارستمی بیرون آمده است، چه آنهایی که خود سروده و چه آنهایی که از میان نام آوران شعر دیروز و امروز برگزیده بود. محتوای آنچه که شما امروز در دست دارید بدون همکاری با ایمان توسلی غیر ممکن بود.

سر کلاس با کیارستمی جزوی از یک پروژه سه گانه است که کلیات آن فیلمسازی است. این پروژه را در سال ۱۳۷۹ شروع کردم و تخمینم این است که ده سالی به طول انجامد. دو کتاب دیگر این سه گانه به ترتیب زمانی درباره فیلمسازی: پیش درآمدی بر مهارت های کارگردانی (مجموعه ای از نوشته های آموزشی کارگردان شهر انگلیسی آکساندر مکندریک) و دستورالعملی برای گمگشتگان

(مصاحبه با کارگردان آلمانی ورنر هرتزوگ) است. نوشته‌های مکندریک به مهارت، ساختار، و دقت در کار می‌پردازد در حالی که توجه هرتزوگ به اهمیت پشتکار است و پدیده‌ای که او آن را «آسیمگی ذهن» می‌نامد. توجه کیارستمی به بیان شاعرانه است، به حرارت فضای میان دو خط، به یافتن رازآلودگی در پدیده‌ها. هر سه این رویکردها برای درک عمیق‌تری از فیلمسازی و داستان‌گویی ضروری است. بدون دقت نظر، نقش‌ها رنگ می‌بازد. بدون پشتکار، بار به منزل نمی‌رسد. بدون بیان غنایی، مهارت بی‌روح می‌شود. پیش از سخن گفتن دقت، بیان‌دیش، زمانی که می‌گویی با آوازی رسا بگو، و به آهنگی بگو که برایت می‌دار باشد. دشواری‌های کار می‌تواند حتی نیروبخش باشد. اگر هرتزوگ به گفته خسرو سهراب در جان‌برکف سینما باشد، مکندریک شاید مکانیکش باشد و کیارستمی، ابشر. شک اینها سه روش و سه خصوصیت رویارویی با جهان و با فیلمسازی است، اما این سه رویکرد را می‌توان در کنار هم قرار داد تا پدیده‌ای تازه و ارزشمند فرپسنگ آید. در این سه شخصیت سینما، تعهدی پایدار و عزمی راسخ به جریان خلاقیت و جرد داد.

نیازی به گفتن نیست. خوش‌حالم از اینکه نسخه فارسی کتاب سر کلاس با کیارستمی در کنار نسخه انگلیسی آن به چاپ می‌رسد. گرچه کیارستمی از ابتدا ایده‌های کتاب را به فارسی بیان کرده و اگر به او اولیه این کتاب مخاطبش را انگلیسی‌زبان قرار داده بود، اما از همان زمان برایم روشن بود که کیارستمی باید مهر تأیید بر این کتاب بزند، که پس از خواندن ترجمه فارسی، چنین کرد. از سهراب مهدوی برای ترجمه‌ای که بی‌شک به متن وفادار است تشکر می‌کنم. همچنین باید از سخاوت محمودرضا بهمن‌پور برای چاپ این کتاب قدردانی کنم.

پیش‌گفتار مایک لی*

هر فیلم‌ساز مستقلی می‌تواند خود را استثنایی بشمارد، و بسیاری بی‌شک چنین‌اند، کم‌یا بیش. اما هیچ‌کدام را به‌محضر به‌فردتر از دوستم عباس کیارستمی نمی‌دانم.

اوست بنیانگذار و سروران سال‌ها حماسه‌کم‌گو، نخبه‌هرمندی که عیار سینمای انسانی را به‌درجه‌کم‌مندی، و خلم‌عس‌رسانده است. اوست آموزگاری که بی‌خواستِ آموزش ما را متعجبانه با حقایقی مواجه می‌کند که از شدت روشن‌ضمیری نورشان چشمانمان را می‌زند. اوست شهر آشوبِ شوریده‌ای که قابلیت شگفت‌آوری برای به‌زبان‌آوری ایده‌ها، روش‌هایی دارد که مرکز ثقل مخاطب را جابه‌جا می‌کند و او را به‌نعره و می‌آید. هر چند از سر شوق.

تکه‌هایی از معرفت و بینش دشوار به‌دست آمده عباس چون کُشمش در شیرینی این کتاب مایه‌ور پراکنده شده است. این کتاب لحنی شخصی، کاربردی، حرفه‌ای، طنزآمیز، عاطفی، فلسفی، هنری، و فنی دارد که به‌کار هر فیلم‌ساز، به‌راهی می‌خورد. عباس در حین اینکه ما را هدایت می‌کند، در نهایت گوی و میدان را به دست خودمان می‌دهد تا حقیقت خود را بنا کنیم. برای همین است که این کتاب بی‌شک خشت بنای ادبیات سینمایی خواهد شد.

* مایک لی نویسنده و کارگردان بنام بریتانیایی متولد ۱۹۴۳ است. او تاکنون با فیلم‌هایش جایزه‌های معتبری چون «نخل طلای جشنواره فیلم کن» و «شیر طلایی» جشنواره ونیز را به‌دست آورده است. وی همچنین برای فیلم رازها و دروغ‌ها کاندیدای جایزه بهترین کارگردانی «بفتا» و برای کارگردانی فیلم ورا در یک پرنده آن شد.

مقدمه نویسنده

در طول دهه گذشته عباس کیارستمی کارگردان خانه دوست کجاست؟، زیر درختان ریتود، کسوناپ، طعم گیلان، باد ما را خواهد برد، ده، شیرین، کبی برای اصل، من یک عاشق، و بسیاری فیلم‌های دیگر - به فستیوال‌ها و دانشگاه‌های سراسر دنیا آمده. کارگاه‌هایی با فیلمسازان جوان برگزار کرده است. او سر کلاس‌های کارگاهی‌ها را تداوم کرده و دوربین به دست به اینجا و آنجا می‌فرستد، و در نهایت کارهایشان را به نمایش در می‌آورد تا در موردشان گفتگو شود. این کتاب حاصل بند زدن یادداشت‌های نگارنده است. مصاحبه‌ها و نوشته‌های پراکنده‌ای که در طول سال‌ها، برخی در تهران و برخی در حاشیه کارگاه‌ها در شهرهای مختلف (لندن، مراکش، پرتغال، نیویورک، سیراکوز) از او جمع‌آوری شده است.

کیارستمی به‌خوبی آگاه است که در جایگاه شاگرد، ما همان‌ها را از یکدیگر می‌آموزیم که از آموزگار. برای همین هم، ساختن مداوم فیلم در بستر کار گروهی را بهترین روش برای آموزش ظرافت‌های فیلمسازی می‌داند. کارگاه‌های او این بستر را فراهم می‌کند. در این کارگاه‌ها ایده‌ها آبیاری می‌شود و فیلم‌های کوتاه در کوتاه مدتی سر از خاک بر می‌آورد. خطابه‌ای در کار نیست. به جایش، گروهی - ترجیحاً آنانی که تجربه‌ای در این زمینه دارند - به گردهم آمده و حلقه‌ای را

شکل می‌دهند که در میانه آن تصمیم‌ها گرفته و کارهایی پدیدار می‌شود. در این حلقه تنوع آرا و پذیرا بودن جهش‌های متعدد به ناشناخته و جلسات نقد و بررسی به کیارستمی اجازه می‌دهد که بینش خود را در میان بگذارد، عینک مجاز ما را از غبار پندارها پاک کند تا نگاهی تازه به موضوع مان بیاندازیم. خواننده به بده‌بستان میان آموزگار و شاگرد در این کتاب خیلی زود می‌رسد چرا که در آغاز هر کارگرمی بده‌بستان‌ها سیل آسا و دما دم‌اند. وقتی غبار پندارها خوابید، شاگردان به فامبرداری مشغول می‌شوند تا ایده‌های به میان آمده را به کار بندند، و سر آخر بر روی کامپیوترها، شان خیمه می‌زنند تا کار تدوین را انجام دهند.

شکی نیست که این روش‌ها قبلاً به کار گرفته شده است، آن هم توسط کسانی که به همان اندازه می‌زنند تأثیرگذار. هدفم نیست که کارگاه‌های کیارستمی را استثنایی جلوه دهم - بابت ایده‌هایی که در میان گذاشته می‌شود و چه روش آموزشی‌اش. اما صراحت بیان آموزگار همیشه برای شاگردانش طراوت دارد. چه در کلاس درس و چه در عمل (حکایت می‌وان از شوریدگی شاگردان بهره‌برداری کرد؟). کلام کیارستمی حیرت‌انگیز است - برای همین نمی‌توان از این مهارت به سادگی گذشت. و رای این، خلاقیت و جمودگرایی او، روان بودن و خودکفایی او، آرامش، اسطوره‌واری‌اش - سلوکش، درخشش بی‌اش - پای مرا به زمین می‌رساند و کمکم می‌کند که با ناملموس‌های زندگی ارتباط برقرار کنم. و کیست که به پایبندی کیارستمی به موضوعش، به ایده‌ها و افکارش، به تمرکز عمیقش، که همواره دور از دسترس و در عین حال کارا است، رشک نوزد. این شایسته‌ای است که کار دیگری نمی‌تواند بکند، الا کار خودش را، که خیلی ساده می‌تواند به همه چیز پشت کند و بقیه روز را به صرف پرورش محتوای افکارش بکند.

همچنین، حساسیت شاخک‌های هنری‌اش و چیره‌دستی‌اش به عنوان فیلمساز ستودنی است. ظاهر ساده فیلم‌های او شعبده آنها را پنهان می‌کند. پیچیدگی‌های آرایشی و دقت و ظرافت طراحی آنها از راه دیگری به ما می‌رسد. دستاوردهای جسورانه مفهومی و فنی کارهای او هیچگاه خودنمایی نمی‌کند، بخصوص زمانی که به نظر می‌رسد لگام کارها از دست رفته و سکانس‌ها ناشیانه و دم‌دستی برداشت

شده است. نگاهی دوباره به این فرایند مرموز، مروری بر سینمای او - که در آن آونگ حوادث میان قالب داستانی و مستندی در نوسان است، همراه آنچه که در این کتاب آمده است، ما را به نتیجه دیگری خواهد رساند. سر تعظیم فرومی آورم به اویی که بتواند به ما موضوع تعلیق را با نشان دادن تنها یک تصویر ثابت از امواجی که به صخره‌ها برخورد می‌کنند (که بر رویشان سه تخم مرغ نشسته است) بیاموزد. در تمام مدت فیلم هفده دقیقه‌ای تخم مرغ‌های دریایی می‌دانیم که چه قرار است اتفاق بیفتد، اما دقیقاً چه زمان و چگونه برایمان روشن نیست. بخشی از گیرایی سینمای کیارستمی مدیون ایمایی بودن آن است.

ما نوآموزان رسمی که ای به این حلقه‌های آموزگارانه می‌گذاریم، وقتی که این توفیق را داریم که با کیارستمی سفر کنیم و از معرفتش بهره ببریم می‌توانیم با مارلن دیتریش هم‌آوا شویم که در مورد دورانی که با اورسون ولز سپری کرده بود گفت: «وقتی که با او بودم می‌فهمیدم خودم را چون نهالی آبیاری شده می‌بینم.» درست زمانی که فکر می‌کنی دیگر چیزی نیست که بتوان در مورد موضوع مورد بحث گفت، کیارستمی نکته نغز را می‌آورد. او چون چشمه‌ای همیشه پر آب است. علاوه بر این، در میان شرکت‌کنندگان کلاس‌های کیارستمی بودند آنانی که او عرصه را برشان تنگ می‌کرد تا در یک لحظه بتوانند گره از سلسله موی یار باز کنند. ناگهان خود را در موقعیتی می‌یافتند که در حدشان به نتیجه‌ای می‌رسیدند، یا پاسخی می‌یافتند به پرسشی که در غیر این صورت سر نمی‌گرفتند یا حتی به خاطر دشواری‌اش از آن اجتناب می‌کردند. در نهایت، این در چنین موقعیتی - و به واسطه درس‌های کیارستمی - این شاگردان را در کاره‌ای که بدان همت گذارده بودند جسورتر می‌کرد، به آنها انگیزه و شور می‌داد تا از زاویه دیگری وارد شوند، با اعتماد به نفس به کاوش در ضمیر خود ادامه دهند، و به خود آگاهی برسند. برای من، و حتم دارم برای بقیه شاگردان و خود کیارستمی هم، دیدن موفقیت دیگران هیچ‌انگیز بود. همانطور که حافظ می‌گوید: «همیشه آتش درونت را روشن نگاه دار و چشمه اشک‌هایت را پر آب. هر حالتی غیر از این همانا بی‌تفاوتی است.»

این کتاب، یک مصاحبه درازدامن یا یک دستورالعمل متداول برای فیلمسازی

نیست. یک کتاب پژوهشی در مورد سینمای ایران یا نگاهی دیگر به فیلم‌های عباس کیارستمی هم نیست. بلکه چکیده‌ای است از روش کارگردان و تلاشی برای درک اساسی تجربه‌ای غالباً رازآلود. این کتاب در حقیقت برداشت‌ها و گزیده‌های به دقت غربال‌شده نگارنده است از «روش‌شناسی» کیارستمی، ادای دینی است به رویکرد هنری و نگرش فلسفی او به هستی، و ارتباط حسی او با محیط پیرامونش. تیزبینی و شناخت ذهنی کیارستمی را از خلال گفته‌های منعکس‌شده در این کتاب می‌توان دریافت. به عبارت دیگر، این کتاب نگاهی است شاعرانه به زیبایی‌شناسی کیارستمی و تلاش او برای آفرینش معنا از راه سینما. همچنین، این کتاب مجموعه‌ای است از راهنمایی‌های عملی که حول اصولی کلی سازمان‌دهی شده است.

اخیراً در مصاحبه‌ای با یک مجله از باور خود گفته است که «نمی‌توان لحظه خلاقیت را بر روی پرده نشان داد. می‌توانی فرایخوانی‌اش، بدان تلمیح کنی، و سلسله تصاویر به دست آمده را توجه کن، اما نفس خلاقیت، گریزپاست و من به ضرس قاطع می‌گویم به صحنه درآوردن نیست. این چیزها ظاهراً قابل ترجمه به واژگان هم نیست. با این حال، کتاب در دست‌ش تلاشی است برای منتقل کردن افکار و جرقه‌هایی که پس‌پشت لحظات خلاق کیارستمی - در مقام فیلمساز، عکاس و شاعر شکل می‌گیرد. این کتاب، شاید در جاهایی با درز و اشاره، از خواننده‌اش آن چیزی را می‌خواهد که فیلمساز - صمیمانه، مهربان، و کنجکاوانه - از آنهایی که فیلم‌هایش را می‌بینند می‌خواهد: او (بیننده) خود به کار رزگسای و تأویل پردازد. مثل فیلم‌های کیارستمی، این کتاب بیش از آنی که در صدد روشن‌پاشی باشد، به طرح پرسش می‌پردازد. هیچگاه خود را فصل الخطاب نمی‌شمارد.

تصاویری از کیارستمی، این پیر کارگاهی، در ذهنم نقش بسته است - از عکاسی از پشت پنجره ماشینی که در جنوب ایتالیا به تاخت می‌رفت، تا رهاشدگی بر سر هر میز شام، تا قدم زدن در کوه‌های نزدیک شهر مراکش، تا ایستادن در کوچه‌ای در منهتن در یک صبحگاه سرد به هنگام فیلمبرداری گروه. سه خاطره برایم وجوه سه‌گانه کیارستمی (تیزبینی شنیداری دیداری، چیره‌دستی فنی، آرامش بیرونی) را بیشتر از همه نمایان می‌کنند. یک بعدازظهر در کارگاه مراکش، کیارستمی می‌خواست فیلم پنج

خود را برای مارتین اسکورسیزی، که به عنوان سخنران میهمان به آنجا آمده بود، نمایش دهد. اتفاقی پیدا شد و کسی پنجره‌ها را با کاغذ سیاه پوشاند که جلوی نور را بگیرد. کیارستمی راضی نبود برای همین کاغذها را پایین کشیدند و خود دست به کار شد. اول شکل پنجره‌ها را از چند متری و رانداز کرد و بعد به برش و تا کردن کاغذها دست زد. وقتی در آخر کاغذها را روی پنجره گذاشت اندازه بودند. در یک کارگاه دیگر، کیارستمی از سه ماهی که در پراگ در سن سی سالگی سپری کرده بود گفت. هرگز اعلانی که از بلندگوهای قطار شهری پخش می‌شد را، بدون آنکه حتی تا امر را معنی آن را بدانند، به خاطر داشت. چند سال بعد در تهران عصری را در یک انلیه هنری، کیارستمی سپری کردم. او به چاپگر صنعتی بزرگی خیره شده بود که میلیمتر، میلیمتر یکی از عکس‌هایش را به نرمی بیرون می‌داد. ساعت‌ها بعد هنوز کار از نیمه تمام نگذاشته بود. کیارستمی چون راهبی در سکوت به پیشرفت و به چاپ عکس‌های خود نگاه می‌کرد. برایش نوعی مراقبه بود.

سر کلاس با کیارستمی از کجا آمده است؟ از جادوی فیلم‌هایش تا عکاسی و شعر. از گذراندن چندین سال در کارگاه‌های او و هیجان و سرگیجه حاصل از آن. از تلاش برای «بازآموزی نگاه بیسنده» عنوان یک مفهوم. از سال‌های پیوستن به کارگاه‌های او. از میل شاید خودستایانه برای ثبت این نشست‌ها. از شوق خواندن انگشت‌شمار نوشته‌های طرفداران نکته‌بین، پرس و او. از نارضایتی از ۱۰ روی ده، که در آن کیارستمی نود دقیقه می‌کوشد که در این فیلم‌سازی‌اش را شرح دهد، بخصوص ساختن فیلم ده در سال ۱۳۸۳ را. پس از گذراندن این همه وقت با او، با خودم اندیشیدم که حتماً روش مناسب‌تری برای بیان این ایدها وجود دارد تا شاید به یک دانشجوی فیلم‌سازی خدمتی شود. این هم امید این کتاب است و هم امید خود کیارستمی در کارگاه‌هایش.

چند نکته: خواننده اگر حتی یک فیلم کیارستمی را ندیده باشد یا از مشتاقان سینما هم نباشد، می‌تواند از این کتاب بهره‌بردار؛ خواننده‌ای که فیلم‌های کیارستمی را می‌ستاید و می‌خواهد از نحوه ساختن آنها تا اندازه‌ای سردر بیاورد، شاید برگ‌هایی که در پی این صفحه می‌آیند به او خوش آید. دیگر اینکه، کیارستمی به ساختن فیلم،

سیر و سلوک فلسفی، و آموزش فیلمسازان نوباوه با شوق و بی‌قراری ادامه خواهد داد. برای همین، گرچه این کتاب نهایی شده، باید آن را کاری در جریان دید. در عین حال، جهان کیارستمی تنها از راه غوطه خوردن در سینمای او پرده برداری نمی‌شود، بلکه شناخت عکاسی غنایی و شعر خیال‌انگیزش نیز برای درک هر سه وجه کاری او ضروری است. بررسی اهمیت شعر - چه نو و چه کلاسیک پارسی - ما به سرچشمه سینمای کیارستمی نزدیک می‌کند. این یکی از دلایلی است که چاپ سر کلاس با کیارستمی را همزمان کرده‌ایم با چاپ مجموعه همراهی که می‌توان آن را «میهن‌های این کتاب تلقی کرد: اشعار او و منتخب اشعار بزرگان شعر و ادب ایران، گل‌نما، حافظ، سعدی، و مولانا.

این کتاب بخشی از یک سه‌گانه برنامه‌ریزی نشده است و روش‌های کاربردی و فلسفه آموزشی سه اصل فیلم عباس کیارستمی، (ورنر هرتزوگ^۱ و آکساندر مکندریک^۲) است. هر یک از این سه گونه‌ای با آنچه که هرتزوگ جستجو برای «تصویر بایسته» می‌نامد به هم ربط‌اند. کیارستمی هیچگاه از خود اشتیاقی برای کاری که در پیش گرفته بودم نشان نداد. و همیشه در جستجوی ناآشنا بود. با این حال، او نسخه فارسی این کتاب را به دقت مرور کرد، و به نظر می‌رسد که ارزش و کاربرد این کتاب و ترجمه اشعار را صاف گذشته و به ما اجازه انتشار آن را داده است.

عکس‌های پُر رمز و راز سر کلاس با کیارستمی از پرسلی پارکز است. اگر تجارب

۱ - ورنر هرتزوگ نویسنده، بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده آلمانی متولد ۱۹۴۲ است. او به خاطر استفاده از نابازیگران بومی به ویژه در فیلم‌های مستندش شهرت دارد. نخستین فیلم بلند او به نام «شانه‌ها» در سال ۱۹۷۰، جایزه «خرس نقره‌ای» جشنواره برلین را در سال ۱۹۶۸ نصیبش کرد. مهم‌ترین دستاوردهای سینمایی او، کسب جایزه بهترین کارگردانی جشنواره کن در سال ۱۹۸۲ برای فیلم «فیتزکارالدو» بود. او در سال ۱۹۷۵ نیز به خاطر فیلم «معمای کاسپار هاوزر» برنده جایزه ویژه هیئت داوران از جشنواره کن شده بود. او تاکنون افزون بر ساخت فیلم‌های مستند، کوتاه و بلند سینمایی بیش از بیست فیلم کوتاه و مستند برای تلویزیون نیز ساخته است. او در طول چند دهه فعالیت هنری خود، جوایز زیادی را از جشنواره‌های سینمایی آلمان، فرانسه، آمریکا، استرالیا، کانادا، هلند و ... به دست آورده است.

۲ - الکساندر مکندریک (۱۹۱۲ - ۱۹۹۳) کارگردان اهل آمریکا است، که بعدها به اسکاتلند مهاجرت کرد. او یکی از محبوب‌ترین کارگردانان ژانر کمدی بود. از فیلم‌های موفق او می‌توان «قاتلین پیرزن» بوی خوش موفقیّت، مردی در لباس سفید را نام برد.

من در کارگاه‌ها محتوای اولیه این کتاب باشد، سفرم به ایران و سپری کردن زمانی با کیارستمی در محیط بومی‌اش چاشنی آن است، که صدها صفحه یادداشت دستی را در بر می‌گیرد. از نگین فاضلی باید بخصوص قدردانی کنم او مشاور معتمد من در تهران بود و همزمان معرف خوبی برای آشنایی بهتر من با فرهنگ و جامعه ایران. سهراب مهدوی به هنگام ترجمه کتاب به زبان فارسی (که به موازات نسخه انگلیسی به چاپ می‌رسد) نکته‌های مهمی در مورد درون‌مایه این کتاب را مطرح کرد. آشنایی او با ادب عرفانی و دستیاری‌اش به این پروژه کمک شایانی کرد. ایمان توسلی با دانش خود جهان درون‌سوز شعر پارسی را برایم گشود. به این خاطر از او عمیقاً سپاسگزارم. کار کردن با ایمان به عنوان مترجم، سر کلاس با کیارستمی را پرمایه‌تر کرده است. و تقدیر نهایی متوجه عباس کیارستمی است، که الگوی از نیمه‌سازي را پیش رو می‌گذارد که مکتبی یکپارچه و قوی است. او در این راه هم‌راهِ با خواش چراغی نورانی به همراه دارد.

پال کرونین